



مصطفی ایزدی

سالیانی چند است که روزنامه‌های سراسری، در پایان هر سال، مجله‌ای همراه روزنامه خود روی کیوسک‌های مطبوعاتی قرار می‌دهند که ویژه‌نامه نوروزی نام دارد. مجلات هفتگی با ماهنامه‌ها نیز برای نوروز، ویژه‌نامه‌هایی منتشر می‌کنند که با نمونه‌های منتشرشده در طول سال تفاوت‌های محسوسی دارند. روال انتشار ویژه‌نامه‌های نوروزی بر این است که مطالب گوناگونی از سال گذشته در موضوعات متنوع و تحلیل‌های بسیاری از جنبه‌های متفاوت رویدادهای سال پیش‌رو، گردآوری می‌کنند و در قالب مجله به دست علاقمندان می‌رسانند. امسال، البته به دلیل بعضی از محدودیت‌ها، از جمله گرانی کاغذ و چاپ، همه روزنامه‌های سراسری و سایر نشریه‌ها، نتوانستند ویژه‌نامه پایان سال منتشر کنند. اما تعدادی از آنان، مجلات با کیفیت و قابل اعتنا و البته با قیمتی بالا روی کیوسک‌های مطبوعاتی فرستادند. نگارنده علاقمند داشتن اینگونه ویژه‌نامه‌ها و مطالعه بعضی از مطالب آنهاست. از جمله امسال در پی آن بود که گزارش‌هایی از وضع کتاب در سال ۹۱ و فهرستی از کتب منتشره شده سیاسی و تاریخی را مطالعه کند. بالاخره «کتاب» موضوعی است که هر سال می‌توان گزارش‌های متعددی درباره آن تهیه کرد و در ویژه‌نامه‌های نوروزی که جامع موضوعات گوناگون است، چاپ کرد تا علاقمندان مسایل فرهنگی به ویژه کتاب وضع آن آگاه شوند. با این تصور، روزهای پایانی اسفند ۹۱ وسرآغاز ویژه‌های نوروزی روزنامه‌ها و مجلات غیر تخصصی خوانندگان عزیز متوجه می‌شوند در این مجله وزن و خواندنی جای چه پدیده مهمی خالی است؟ درست حدس زدیدا! اما هرچه این ویژه‌نامه‌ها را ورق زدم که گزارش‌ها و نوشته‌هایی درباره پدیده مهم «کتاب» پیدا کنم، خبر چندانی از آن نیافتیم. لذا قصد کردم که در یادداشتی با نگاه گذرا بر موضوعات مطروحه در تعدادی از ویژه‌نامه‌ها، گلایه خود را با دست‌اندرکاران مطبوعات مهم کشور در میان بگذارم. در این نوشته، به هفت قفزه از ویژه‌نامه‌های منتشره در پایان سال گذشته، با رعایت ترتیب اقلیایی اشاره می‌کنم تا توجه مدیران مسوول و سردبیران آنها را به کمبودها و نواقص این ویژه‌نامه‌ها در موضوع مهم فرهنگ مکتوب جلب کنم.

اعتماد



روزنامه سراسری و اصلاح‌طلب اعتماد، ویژه‌نامه‌ی به شکل مجله برای نوروز ۹۲ منتشر کرد که ۱۹۲ صفحه دارد. از آنجا که روزنامه اعتماد، بیش از هر چیز یک روزنامه سیاسی است، ویژه‌نامه آن نیز با حجم زیادی از مطالب سیاسی تقدیم علاقمندان شده، به گونه‌ای که بیش از ۵۰ درصد محتوای آن، یعنی ۹۳ صفحه به یادداشت‌ها، گفت‌وگوها و تحلیل‌های سیاسی و اندیشه سیاسی اختصاص دارد. از این ۹۳ صفحه، ۱۴ صفحه درباره سیاست جهان و بقیه سیاست داخلی با مطلق سیاست است. پس از مسایل و مباحث سیاسی، نزدیک به ۴۰ صفحه از مجله در اختیار علاقمندان و تحلیلگران موضوعات اجتماعی، همچون محیط زیست، زن و خانواده، بهداشت و درمان، میراث فرهنگی، نسل چهارم، شهر تهران، حوادث و… قرار گرفته است. در ویژه‌نامه نوروزی اعتماد موضوعات دیگری همچون اقتصاد (۱۴ صفحه) ادب و هنر (۱۳ صفحه)، ورزش (۱۰ صفحه)، کتاب و کتابخوانی (۸ صفحه) و حقوق (۳ صفحه) به چشم می‌خورد. اما همان‌گونه که ذکر شد، از ۱۹۲ صفحه مجله تنها ۱۵ صفحه آن به کتاب و کتابخوانی اختصاص یافته است. در این بخش که عنوان «پیشنهادهای» بر سر صفحات نشسته، تعدادی کتاب برای مطالعه به خوانندگان پیشنهاد شده است. اگرچه تعدادی از کتاب‌های پیشنهاد شده، کتاب‌های شناخته‌شده سال‌های گذشته چون کتاب‌های صادق هدایت، محمود دولت آبادی و چند نویسنده مشهور

جدول۱۶۸۹

افقی:

۱ – مجرای فرعی روده کور – به گرمابه رفتن
۲ – تصدیق روسی – مجبور شده – سیاستمدار اتریشی
۳ – مال بعضی‌ها یک پسا دارد – پیامبر – حرف داری
تشدید
۴ – ناپاک – بیماری مزمن سلسله اعصاب
به‌طور ناگهانی
۵ – درختی جنگلی – به احتیاط نزدیکتر – اهلی – غذای ایرانی
۶ – پرگویی – خدمتکار زن – زندان معروف فرانسه
۷ – کشوری در قاره آفریقا – پایه – چاق خارجی
۸ – مندید – جد رستم – درگیری
۹ – شهر مذهبی – قوم آتیلا – اکسید آلومینیوم
۱۰ – جست‌وجوی بسیار – برای ورود به سینما تهیه می‌کنید – ضمیر غایب
۱۱ – یکی از دو جنس، مذکر – سوغات گجرات – شاعر قرن هشتم – قوم ساکن در اطراف قزوین
۱۲ – واحد سرعت هواپیما – استوار – گیاهی با میوه تلخ
۱۳ – پاسبان قدیم – پسوند مراقبت – آزاد
۱۴ – کنایه از زبردستی – آهو – گوشت آذری
۱۵ – رودخانه‌ای در استان هرمزگان – دایم‌نر سفیدرود

جدول۱۶۸۸

۱۵	۱۴	۱۳	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸
۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲
۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶
۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰
۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴
۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰	۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸
۹۹	۱۰۰	۱۰۱	۱۰۲	۱۰۳	۱۰۴	۱۰۵	۱۰۶	۱۰۷	۱۰۸	۱۰۹	۱۱۰	۱۱۱	۱۱۲

نگاهی گذرا به چند ویژه‌نامه نوروزی

مظلوم کتاب!

خارجی هستند، اما بازهم برای همین مختصر باید از دست‌اندرکاران اعتماد سپاسگزاری کرد.

بهار



روزنامه سراسری و ایضا اصلاح‌طلب بهار نیز ویژه‌نامه درخو توجهی برای پرکردن اوقات فراغت اهل مطالعه در ایام نوروز منتشر کرده که نگاهی به آن خالی از لطف نیست. این ویژه‌نامه ۲۰۸ صفحه‌ای، در مقایسه با اعتماد مطالب بیشتری را در خود جای داده است، اما سهم سیاست را کاسته و بر مقولات دیگر افزوده است. در سیاست روز و سیاست پیشین و سیاست دیگر کشورها به ۶۵ صفحه بسنده کرده است. به فرهنگ و هنر و ادبیات توجه بهتری داشته (۶۳ صفحه) و به موضوعاتی همچون مطبوعات و آموزش که آنها را ذیل عنوان «جامعه» جمع آورده کرده، ۲۸ صفحه اختصاص داده است. ورزش هم در نزدیک به ۱۷ درصد صفحات ویژه‌نامه بهار، جای گرفته است. اکنون خوانندگان عزیز متوجه می‌شوند در این مجله وزن و خواندنی جای چه پدیده مهمی خالی است؟ درست حدس زدیدا! کتاب، نه اینکه هیچ حرفی از کتاب در ویژه‌نامه نزنه باشند، بلکه هیچ یادداشت و مقاله و گزارشی از پدیده دوست‌داشتنی و سازندای به نام کتاب در میان این بیش از ۲۰۰ صفحه مجله نیست. تنها جایی که کتاب مطرح‌شده در ذیل عنوان «تاریخ» است، که به بحث و بررسی محتوای کتاب «در دامگه حادثه» یا خاطرات پرویز ثابتی از روسای سلاواک رژیم پهلوی پرداخته‌اند. چه خوب بود یکی از دست‌اندرکاران عزیز روزنامه بهار که در دوره اصلاحات چندین سال مسوول امور کتاب در کشور بوده و برای همین ویژه‌نامه دو یادداشت نوشته است، توجهی به این کمبود می‌کرد.

پنجره



ویژه‌نامه نوروزی خود را تحویل علاقمندان مباحث سیاسی، فرهنگی و اجتماعی از نگاه مدعیان اصولگرایی بدهد. این ویژه‌نامه، یکصد و شصت‌وپنجمین شماره پنجره است که اتفاقا دچار یک حادثه هم شد و آن اینکه پس از توزیع اولیه مجبور شد همه نسخه‌های آن را از کیوسک‌ها جمع‌آوری و نسبت به تغییر جلد آن اقدام کند. روی جلد آن خطاب به محمود احمدی‌نژاد نوشته: خسته نباشید آقای رییس برای این تیتَر تصویری هم از چهره رییس دولت چاپ کرده بود که ظاهرا با بعضی سلیقه‌ها نمی‌ساخت، لذا با بازگرداندن مجله‌ها به چاپخانه یا صحنای و تجدید چاپ جلد آن با تصویر دیگری از آقای رییس، دل هم جناحی‌های خود را به دست آورد. اما در باره محتوای هفته‌نامه پنجره ویژه نوروز با ۲۲۶ صفحه، بدانی که این نشریه یکی از جراید سیاسی موثر جناح محافظه‌کار است که دیدگاه‌های بخشی از نیروهای جناح مذکور را بازتاب می‌دهد. بدیهی است که صفحات زیادی از آن به موضوعات سیاسی اختصاص داده شود. توقو آن نشان می‌دهد که ۱۰۷ صفحه در اختیار نویسندگان سیاسی‌نگار بوده است. پس

عمودی:

۱ – فرهیخته – تئاتر
۲ – ستون بدن – فرهنگ لغات فرانسوی – نمایش تلسف‌آور
۳ – گوسفند ماده – رود مزی – خف
۴ – خم کردن – جمع کنایه‌ها – روشنایی
۵ – بسیار گرم – داخل – تلمبه – می‌دهند تا رسوا کنند
۶ – دست عرب – شُب‌های قدر – فریاد تسویق – دومین دورقمی
۷ – شهری در برزیل – چپ – تکرار حرف دوم

۸ – کاروان سرا – قسمتی از یا – حلال نیست
۹ – عدد پیش‌تاز – لال شدن – هم ریش
۱۰ – کشنده بی صدا – بزرگان – حرف اول یونانی – گل سرخ
۱۱ – عید ویتنام – نومیدی – رقیق نیست – پول خرد اسپانیایی
۱۲ – جای مورد احترام – جدا گانه – چشم سیاه
۱۳ – سکرتر – پدر مرده – دیوار بلند
۱۴ – کمال مطلوب – ظرف آبخوری – از حروف اضافه
۱۵ – خدشه‌دار – شاد باش گفتن

کتاب

این وزن و اعتبار، به ویژه در میان اهل مطالعه، تنها ۴ صفحه به کتاب و کتابخوانی اختصاص داده‌اند و انگار نه انگار که در ایران و حتی در جهان پدیده قابل اعتنایی به نام کتاب وجود دارد که می‌توان در مطبوعات به آن اشاره کرد.

نسیم‌بیداری



ماهنامه نسیم بیداری که عمری چهارساله دارد، در پایان سال ۹۱ ویژه‌نامه‌ای کاملاً متفاوت منتشر کرده و به دست علاقمندان خود رسانده است. می‌دانیم که نسیم بیداری هم‌راه به صورت مجله منتشر می‌شود. امسال با تغییراتی، خصوصا در حجم و جایگزین کردن آن با دو شماره متوالی ۳۳ و ۳۴ مجله، دین خود را به نوروز ادا کرده است، اما جالب‌تر اینکه دریک ویژه‌نامه ۲۵۸ صفحه‌ای، یعنی پرورق‌ترین ویژه‌نامه، فقط ۸ صفحه به مسایل سیاسی جاری اختصاص داده شده است. بقیه‌اش به جز ۲ صفحه که تابلو و شعر زیبایی از بهار است، شامل دو پرورنده قطور در دو موضوع فرهنگی – سیاسی و تاریخی – سیاسی است. به عبارت دیگر دو موضوع که هر کدام جلادگانه یک کتاب می‌شوند در قالب مجله، تقدیم اهل مطالعه شده است. ۱۲۰ صفحه این ویژه‌نامه نوروزی به مقوله دامنه‌دار روشنفکری، به ویژه روشنفکری دینی اختصاص یافته و ۱۱۲ صفحه آن در اختیار دوستان‌ران دولت‌های حاکم بر ایران از مشروطه تا انقلاب قرار گرفته است. همین! نگارنده که از علاقمندان نشریه اصلاح‌طلب «نسیم بیداری» و سپاسگار مدیران آن به دلیل چاپ نوشته‌هایی از راقم این سطور که دیگران شجاعت چاپ آنها را نداشتند، می‌باشد، اما این علاقه مانع آن نمی‌شود که از دست‌اندرکاران نسیم بیداری بیرسم چرا این مجموعه را ویژه‌نامه نوروزی معرفی کرده‌اند؟ بهتر نبود که آن را دو مجله در یک مجلد معرفی می‌کردند؟ البته همین جا، جای گلایه کلی هم هست که چرا در این مجله حجیم، هیچ خبر یا نوشته‌ای در معرفی کتاب‌های جدید وجود ندارد؟ حداقل در دو موضوعی که به آن پرداخته شده، یعنی «آینه‌داران، در نسبت‌دینداری و روشنفکری» و «از مشروطه تا انقلاب، بررسی کارنامه دولت‌های ایران از ۱۲۸۵ تا ۱۳۵۷»، چند کتاب معرفی کردند. خوانندگان ویژه‌نامه نوروزی نسیم بیداری متوجه می‌شوند که حتی از منابع مورد استناد بخش تاریخی – سیاسی آن نیز هیچ خبری نیست!

همشهری

روزنامه همشهری که وابسته به شهرداری تهران و از نشریات اردگاه اصولگرایی است، ویژه‌نامه‌ای را برای نوروز امسال منتشر کرده که دارای یک ویژگی ممتاز است و آن رایگان بودن آن است! همان‌گونه که قبیل

پیش‌بینی بود، بخش مهمی از این مجله به شهر تهران و به مدیریت پایتخت کشور اختصاص یافته و بقیه‌اش به موضوعات و مطالب گوناگون که متناسب فضاطشی روزنامه

بر تیراز همشهری است پرداخته شده است. صفحات ویژه‌نامه همشهری به شرح زیر تقسیم‌بندی شده‌است:
۱ – شهر تهران، شهرداری و شورای شهر، ۵۶ صفحه (۴۰ درصد کل مجله)،
۲ – سیاست ایران و جهان، ۳۱ صفحه،
۳ – اقتصاد داخلی و بین‌المللی، ۱۶ صفحه،
۴ – ادب و هنر همچون سینما، تئاتر، موسیقی، شعر و سایر موضوعات مربوطه، ۵۱ صفحه،
۵ – ورزش ایران و دیگر کشورها، ۱۰ صفحه،
۶ – گزارشی از پایین‌آمدن شمارگان کتاب‌های ادبی ۱/۵ صفحه،
۷ – مطالب متفرقه، ۲۰ صفحه.
همان‌گونه که از این فهرست برمی‌آید، سردبیر این نشریه، کتاب را فراموش نکرده‌اند و لاقال ۱/۵ صفحه به آن اختصاص داده‌اند. اگرچه این مختصر هم به کتاب‌های ادبی مربوط می‌شود، اما باز هم بهتر، از بعضی مدعیان عمل کرده‌اند. ادامه در صفحه ۱۱

مرور

راهنمای عملی صفحه‌آرایی

در حالی که امروز برای طراحی گرافیک و شاخه‌های تخصصی متصل به آن، در تمام سطوح رسمی آموزشی کشور، دوره‌هایی برقرار است اما در زمینه محتوا و منابع این رشته کمبودهای زیادی وجود دارد. گسترش روزافزون تعداد مدارس، آموزشکده‌ها، آموزشگاه‌ها و دانشگاه‌ها برای آموزش این رشته و نیز آشنایی سطحی و علاقه عمومی به رشته طراحی گرافیک در سالیان اخیر، نیاز به کتاب‌هایی در این‌باره را به مراتب افزایش داده‌اند. کتاب «صفحه‌آرایی» که به‌تازگی منتشر شده، یک راهنمای مقدماتی نسبتاً جامع در زمینه صفحه‌آرایی است که سر فصل‌های اولیه و مهم این بخش از طراحی گرافیک را در بر گرفته است. توضحات بخش‌بندی شده و مرتب این کتاب در پنج‌فصل، همراه با مثال‌های فراوانی که به صورت خاص برای هر فصل طراحی شده، آمده است. بنا به توضیحاتی که در پیشگفتار کتاب آمده، جنبه عملی یا اجرایی گرافیک به وضوح، بیشتر مدنظر نویسندگان بوده، که از این لحاظ برای دوره‌های آموزشی پایه در صفحه‌آرایی مفید است. علاوه بر این، در فضای حرفه‌ای آتلیه‌ها برای طراحان مبتدی که در بخش صفحه‌آرایی (به خصوص مطبوعات) تازه‌کارند، توجه به مندرجات این کتاب بسیار سودمند است. رتوس اولیه کتاب کم‌وبیش با سر فصل‌های آموزشی بسیاری از کتاب‌های غیرایرانی در این زمینه تطبیق دارد. همچنین باید اشاره کرد که این کتاب حاصل تلاش نویسندگانی است که چالش‌ها و فراز و نشیب‌های کار طراحی گرافیک و به‌خصوص صفحه‌آرایی مطبوعات را در آتلیه همراه با همکاران خود لمس کرده‌اند و از این رو کتاب از زبانی ساده و روان برخوردار است و تأکیده‌های ظریف و خاص آن، نتیجه بر خوردها و تجربیات حرفه‌ای است.

به مدیریت پایتخت کشور اختصاص یافته و بقیه‌اش به موضوعات و مطالب گوناگون که متناسب فضاطشی روزنامه

بر تیراز همشهری است پرداخته شده است. صفحات ویژه‌نامه همشهری به شرح زیر تقسیم‌بندی شده‌است:
۱ – شهر تهران، شهرداری و شورای شهر، ۵۶ صفحه (۴۰ درصد کل مجله)،
۲ – سیاست ایران و جهان، ۳۱ صفحه،
۳ – اقتصاد داخلی و بین‌المللی، ۱۶ صفحه،
۴ – ادب و هنر همچون سینما، تئاتر، موسیقی، شعر و سایر موضوعات مربوطه، ۵۱ صفحه،
۵ – ورزش ایران و دیگر کشورها، ۱۰ صفحه،
۶ – گزارشی از پایین‌آمدن شمارگان کتاب‌های ادبی ۱/۵ صفحه،
۷ – مطالب متفرقه، ۲۰ صفحه.
همان‌گونه که از این فهرست برمی‌آید، سردبیر این نشریه، کتاب را فراموش نکرده‌اند و لاقال ۱/۵ صفحه به آن اختصاص داده‌اند. اگرچه این مختصر هم به کتاب‌های ادبی مربوط می‌شود، اما باز هم بهتر، از بعضی مدعیان عمل کرده‌اند. ادامه در صفحه ۱۱



صفحه‌آرایی

مهرداد احمدی شیخانی

مرجان‌کشاورزی

ناشر: فرهنگ صبا

چاپ اول ۱۳۹۲

نگاه

درباره «مسافر شبانه» مایور یتزئو ماجانی

زندگی با اصل و قاعده هنر

نور ا. موسوی‌نیا

«این آدم‌ها نیستند که سفرها را می‌سازند، بلکه این سفرها هستند که آدم‌ها را می‌سازند.» جان اشتاین بک

رمان مسافر شبانه، با بازگویی یک روایت شفاهی آغاز می‌شود: «گوش کنید، بر تپه اسکرم خورشید دارد غروب می‌کند.» راوی یک مسافر است؛ پژوهشگر مهاجرت پرتندگان که در صحرای در صحرای الجزایر نشسته است: او منتظر از راه رسیدن پرستوهای مهاجر است. راوی، در دل آن صحرَا که تجسمی از زیبایی نافع و عریان عالم است به آوازا و قصه‌های دیماح تفریش، شاعر دوره گرد گوش می‌دهد و در کنار نیز به قصه گو و ترانه‌سرایی عصر خویش بدل می‌شود. او خاطره‌ها و تجربه‌هایش را برای راهنما و مترجمش جبریل بازگو می‌کند. رمان خود نوعی روایت در روایت است و به سفری می‌ماند که خواننده در دل آن با داستان‌ها و سرگذشت های زیادی آشنا می‌شود.

در دوره‌ای که هنر قصه‌گویی به پایان خود نزدیک می‌شود و وجه حماسی حقیقت یعنی حکمت، رو به مرگ است، نویسنده رمان به یاری مسافر شبانه‌ای که در خیال و واقعیت سفر می‌کند و یکبار دیگر آن خرمن برپاشده آتش را در دل صحرَا رنده می‌کند تا آدم‌های گرد آن در دل طبیعت وحشی، قصه‌گوی توحش پایان‌ناپذیر عصر خویش باشند.

رمان مسافر شبانه روایت مسافرائی بی‌مقصد است که به دیدار سرنوشت خود می‌روند: آمپولها، شاهزاده پوتوکی، بوگومیل‌ها، کوچاپایی‌ها، پرفتا و همه اینها استعاره‌هایی هستند که بخشی از تاریخ را می‌سازند. رتبه زنی، که با کسب‌های لاستیکی در دست، پدر کارخانه‌های کشورهای مختلف پای پیاده سفر می‌کند. پرفتا استعاره‌ای است از انسانی که باید با تاریخ مقابله کند. یا مردی که پای پیاده بدون آب و غذا سفر می‌کند؛ سیمای مسافری توقف‌ناپذیر که همچون اولیس به دیدار سرنوشتی عظیم می‌رود و نمودی از افسانه‌های کهن است. با دیماح تفریش که استعاره‌ای است از قصه‌گو که توانایی تبادل تجربه را دارد.

مسافر شبانه رمانی است که خواننده آن حین خواندن در تکتک قصه‌ها و سرگذشت آدم‌ها نامل می‌کند و از دانش و حکمتی سرشار می‌شود که نویسنده به‌طور نامحسوس لایه‌ای سطور رمان گنجانده است. رمان مسافر شبانه به معنای واقعی کلمه یک کتاب است. کتابی گشوده بر دنیای قصه‌ها و تجربه‌ها، دنیای دانش و حکمت و آگاهی‌یافتن از رسالتی که آدمی در عصر پایان‌ناپذیر توحش در برابر تاریخ دارد. کتابی که خواننده به کندی آن را ورق می‌زند، با هر ورق زدن می‌اندیشد و با آن زندگی می‌کند. زندگی‌ای با اصل و قاعده هنر و زیبایی که جای‌جای کتاب بر آن تأکید می‌شود. قاعده‌ای که شمارِی از کتاب‌های امروز فاقد آن هستند. در این نوع کتاب‌ها گویا هدف تنها سرگرم شدن برای دو یا سه ساعت از زندگی روزمره مترجم: انتشار موسوی‌نیا

ناشر: افسون خیال

زیرکی هستند که در ساختن شمشیر، جواهر و خنجر، فولاد و طلا متحر هستند. آنها بطلات مردها و زن‌ها را دست می‌اندرزن و اشیایی می‌سازند که تنها ارزش زیبایی دارند و با اصل و قاعده هنری ساخته شده‌است. آنها چیزی را می‌فرشند که هیچ‌جای دیگر نمی‌توان پیدایش کرد. نه نزد آمریکایی‌ها، نه ژاپنی‌ها و نه مافیای کی‌یف، و این اصالت و تک بودن است که والتر بنیامین بر آن تأکید می‌کند و آدم را وامی‌دارد تا فرسنگ‌ها فرسنگ را به شوق دیدن تابلویی از داونیچی، یا رافائل، طی کند.

دینتو، پدر راوی نیز کاری شبیه به کوچاپایی‌ها می‌کند. او هم قفس‌ها می‌سازد که بیشتر بر پایه اصل و قاعده هنری بنا شده‌است تا جنبه عملی‌شان. و این نشان‌دهنده روح و قربی است که نویسنده برای هنر و نیز برای ادبیات قابل است: «بنتو صدها قفس ساخته، اما حتی یک قناری هم توی آنها نگذاشت. باید یک دلیلی برای این کار وجود داشته باشد. شاید دینتو یک قناری بود که خودش تنهایی خانه‌اش را می‌ساخت. شاید دیدگاه و فلسفه خاص خود را داشت و چون نه حرف می‌زد و نه نمی‌نوشت، آن را با دست‌هایش می‌آفرید. شاید دینتو در اتاق شرف، روی‌پرویز پسرش، قفله‌داری را که درباره دنیا داشت می‌ساخت.» گرچه فصل آخر رمان در خود روایت درون‌ماندگار شده است اما بیشتر شکل یک موخره را دارد. نویسنده از عشقش به ادبیات و چگونگی نوشتن این رمان می‌گوید که الهامی از داستان «هرا کردن آتش» جک لندن است. و این اهمیت و ارزشی را نشان می‌دهد که ماجانی برای ادبیات قابل است.

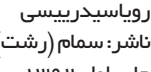
رمان مانند پیغامی در بطری به پایان می‌رسد، با گردابی از داستان‌ها، آدم‌ها، سرگذشت‌ها و تجربه‌های متعدد و این بطری برای یافتن خواننده‌هایش به دریا پرت می‌شود.

عطف کتاب

پرنده خیالی

«چهارخانه» عنوان رمان کوتاهی است از رویا سیدریسی که دارای ۴۷ بخش است و به‌تازگی منتشر شده است. رمان با جملاتی کوتاه در توصیف ساحل و زنی که در آن قرار دارد آغاز می‌شود. اما بعد از چند سطری که در توصیف شرایط معمولی ساحل ارایه می‌شود، یکدفعه اتفاقا که بیشتر شبیه خیال است، سیر توصیف عادی ماجرا را از بین می‌برد و پس از این جریان داستان آغاز می‌شود و پیش می‌رود. در ادامه بخش‌هایی از رمان را می‌خوانیم: «هرگز پرنده‌ای مانند آن ندیده‌ام. آسمان آبی است، با لکه‌سفید کوچکی که رنگ عوض می‌کند. در دشت بزرگ و زیبایی، به سوی تکتدرخت

توتومندی می‌روم. صدای قدم‌هایم را روی علف‌ها می‌شنوم. نسیم لایه‌ای بوتها می‌پیچد دامن لباسی که پوشیده‌ام بر زمین کشیده می‌شود. صدایی می‌شنوم و سرم بالا می‌گیرم. لکه‌بزر سفید، کیود شده است. صدای بال‌های پرنده‌ای بزرگ نزدیک می‌شود. پابین می‌آید، پابین و پابین‌تر. از نزدیک، زیبا نیست، پره‌ای سیاه و خیسش به هم چسبیده‌اند. پره‌ای سرش چسبناک به نظر می‌رسد. سرش کوچک و نگاهش ناخوشایند است. ترس برم می‌دارد، از هیبتش می‌خکوب شده‌ام. وقتی خیلی نزدیک می‌شود، نمی‌توانم حتی قدمی بردارم. نمی‌توانم حتی فریاد بزنم. لب‌هایم تکان می‌خورند اما هیچ صدایی در نمی‌آید. توان هر کاری از من گرفته شده است. بالاخره خودش را از من جدا می‌کند و بال‌زنان به آسمان پرواز می‌کند: نابدین می‌شود. صدای بال‌هایش توی گوشم مانده است.»



رویا سیدریسی

ناشر: سماد (رشت)

چاپ اول ۱۳۹۲